

#یادداشت_روز_ششم

#در_باب_طلبگی

#اخراج_در_روز_اول_کلاس

تا بحال چنین نشده بود که شاگردم را روز اول سال جدید درسی از کلاس اخراج کنم. اما امسال چنین شد و شاید دلیلش برای شما هم جالب باشد. کار اینگونه رقم خورد که وقتی به رسم جلسه اول کلاس، قرار شد دوستان خود را معرفی کنند، از نفر اول پرسیدم که در حوزه چه هدفی را دنبال می کند و اینجا بود که طومار مراسم معارفه پیچیده شد و کار گره خورد. نشان به این نشان که تا انتهای وقت کلاس نوبت به معرفی نفر بعد نرسید.

وقتی ایشان جواب داد که می خواهد مجتهد شود، بنده مجددا پرسیدم که چرا؟ یعنی برای من واضح بود که اجتهاد هدف نیست بلکه وسیله ای برای تحقق اهداف حوزه است ونباید به عنوان یک هدف به آن نگاه کرد. اما گویا حتی در ذهن ایشان چنین مفهومی خطور نکرده بود و اجتهاد را به عنوان انتهای آمال و آرزوهای طلبگی خود می دید، اما هیچ شناختی حتی نسبت به همین هدف به اصطلاح غایی خود نداشت.

این بود که باب بحث های طولانی باز شد و هر چه تلاش کردم برای او تبیین کنم که اجتهاد ابزاری برای انجام رسالت های مهم طلبگی است و تو باید حرکت خود را در کسب اجتهاد جهت دهی کنی (بخوانید انتخاب هدف و رسالت طلبگی و کسب مهارت برای انجام آن پس از دوران تحصیل) تا بتوانی یکی از انتظارات جامعه از طلاب را با آن پاسخ دهی به خرجش نمی رفت. او در جواب من می گفت که آنچه می گویی با اصل اجتهاد منافات دارد و حتی اگر سر سوزنی مرا به خود مشغول کند مانع از رسیدن من به اجتهاد می شود.

با خود سخت اندیشیدم که چگونه می شود یک طلبه پس از پنج سال تحصیل در حوزه علمیه هنوز فرق بین هدف و ابزار رسیدن به آن را نفهمد و حتی در مقابل فهمیدن آن مقاومت کند. چرا که پس از سعی بلیغ در تبیین اهداف حوزه و رسالت های طلبگی مجددا پرسیدم حالا بگو پس از کسب اجتهاد چه هدفی داری؟ خیلی قاطع و استوار فرمودند: اگر هدف چیزی است که تو می گویی، من هیچ هدفی ندارم (با لحنی بخوانید که گویا حرفهایت باد هواست) نگارنده نیز مجبور شد این فرد را با کمال احترام به خارج از کلاس هدایت کند تا مایه عبرت دیگران شود.